

مشارکت اجتماعی

در مقالات پیشین به اهمیت روح جامعه، پیوستگی اجتماعی، نظم اجتماعی و همبستگی اجتماعی پرداخته شد تا بستر مناسبی برای مشارکت اجتماعی افراد جامعه باشد.

مشارکت اجتماعی افراد صورت های متفاوتی در جوامع دارد و بدون شک رشد و تعالی هر نظام اجتماعی در پرتو همبستگی اجتماعی و مشارکت افراد آن جامعه میسر می گردد. جامعه شناسان ایجاد همبستگی و مشارکت اجتماعی عمومی جامعه را ناشی از عواملی چون اعتقادات و احساسات مشترک و تعادل و هماهنگی میان باورها و ارزش ها می دانند و عامل اصلی واگرایی انسانها نسبت به مشارکت اجتماعی شان را ناشی از جدال و ستیز و کمبود امکانات مادی تلقی می کنند.

انسان یک موجود ذاتاً اجتماعی است. این جمله به این معنی است که انسان نیازمند ارتباط با دیگران است و در این ارتباط مفهوم مشارکت نیز شکل می گیرد. حیات اجتماعی انسان نیز به مشارکت اجتماعی او با هموعانش وابسته است، انسان از همان ابتدای زندگی خود برای تأمین نیازهای خویش به تعاون و همکاری با دیگران نیاز داشته و در طول تاریخ، مشارکت اجتماعی در نظام های سیاسی یکی از مهم ترین مباحث محسوب می شده است. مشارکت اجتماعی فرایندی است که از طریق آن، شخصیت اجتماعی انسانها شکل می گیرد و آنان را برای انجام کارهای مشترک گروهی آماده می سازد. مشارکت امری است که می تواند در ساحت های گوناگون از جمله همکاری سازگاری، پذیرش، همبستگی، همیاری، یکپارچگی و تعامل تحقق یابد. انسجام و وحدت اعضای جامعه، از جمله مهمترین عواملی هستند که موفقیت آنها را تضمین می کند و جامعه را به سوی رشد و تعالی سوق می دهد. از سوی دیگر تفرقه و پراکندگی موجب زوال و انحطاط است.

مشارکت بخش جوهری و اساسی رشد انسان و توسعه اعتماد به خود، ابتکار، سربلندی، فعالیت، مسئولیت پذیری و تعاون اجتماعی است. بدون چنین توسعه و تحولی در درون مردم تلاش و اقدام برای امحای فقر و توسعه نیافتگی، اگر غیرممکن نباشد، دست کم با مشکلات عدیده ای مواجه خواهد بود» (بورکلی، ۱۹۹۶: ۵۶).

به نظر گائوتری، «مشارکت فرایندی اجتماعی، عمومی، یکپارچه، چندگانه، چندبعدی و چندفرهنگی است که هدف آن کشاندن همه مردم به ایفای نقش در همه مراحل توسعه است» (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۳: ۲۹۰).

مشارکت اجتماعی در کنار حوزه اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و ... قرار می گیرد. در تعریف مشارکت اجتماعی گفته شده است: «مشارکت اجتماعی عبارت است از شرکت آگاهانه، آزادی، خودانگیخته و هدفمند گروهها و افراد در فرآیندها و امور اجتماعی جامعه به منظور تسهیم و نقش داشتن در کارها، تسهیل و تسریع امور جامعه و بهره برداری از نتایج آنها و کمک به اهداف توسعه اجتماعی جامعه» (انصاری، ۱۳۸۳: ۶۲)

لوئیس کریزبرگ نظریه های متعدد سه منشأ اساسی را برای نارضایتی تعیین می کند؛ این سه منشأ از منظر و دیدگاه های متعدد موضوع نارضایتی را بررسی کرده اند، اما اجمالاً بر این نکته وفاق دارند که منشأ نارضایتی را، که مخرب مشارکت افراد است، باید در نابرابریها و ارزیابی ناشی از آن جستجو کرد.

این سه نگرش متفاوت را می توان به این شرح دسته بندی کرد:

اولین نگرش، بر اهمیت محرومیت به طور مطلق در افراد و میزان آن تأکید می کند.

نگرش دوم، بر سطوح ناسازگاری بین موقعیت های متفاوتی تأکید دارد که افراد در زندگی اجتماعی خود با آن مواجه اند.

نگرش سوم، به تغییراتی اشاره دارد که در طول زمان در آنچه مردم دارند و آنچه تصور می کنند باید داشته باشند، اتفاق می افتد (کریزبرگ، ۱۹۷۳).

مشارکت اجتماعی سازمان یافته، فرایندی آگاهانه، داوطلبانه، جمعی و مبتنی بر برنامه و اهداف مشخصی است که به عنوان فعالیتی اجتماعی - اقتصادی در قالب انجمن ها، گروه ها و سازمان های محلی و غیردولتی است.

درخصوص مشارکت دو نوع نظریه وجود دارد؛

اول نظریه هایی که از دیدگاه شناختی ریشه در اندیشه های ماکس وبر دارند.

در این نظریه ها به سیستم اعتقادات، باورها، گرایش ها و اندیشه های فرد تأکید می شود. فرضیه مهم این نظریه عبارت است از این که اگر مشارکت به عنوان یک کنش اجتماعی در نظر گرفته شود این کنش برخاسته از وجوه فرهنگی هر جامعه است و تحت عناصر گوناگون در سیستم فرهنگی جامعه می باشد.

در واقع هنگامی که میزان مشارکت فرد یا تمایل فرد برای مشارکت در جامعه کم است ریشه آن به سیستم دیدگاه های جامعه و فرد در خصوص فرهنگ، باورها و تصویری که فرد به محیط پیرامون خود دارد، بر می گردد. یعنی یک نوع بی قدرتی و احساس بی قدرتی در فرد به وجود می آید که خود عامل مهمی برای کاهش مشارکت افراد می باشد. افرادی که احساس بی قدرتی می کنند، اعتماد به نفس خود را نیز از دست می دهند و احساس می کنند که حضور و عدم حضور آنها در فرآیندهای اجتماعی تأثیری ندارد، لذا در عرصه اجتماع کمتر فعالیت مشارکتی دارند.

دسته دوم نظریات، بر جنبه رفتاری تأکید دارند و به سود و زیان مشارکت می پردازند، یعنی پاداش ها و مجازات هایی که در قبال انجام یک رفتار نصیب یک شخص می شود تعیین کننده ادامه رفتار او و میزان مشارکت او می باشد. به عبارت دیگر برای این افراد این امر مهم است که در قبال انجام دادن رفتار و یا مشارکت جامعه چقدر آنها را تنبیه می کند یا پاداش می دهد. لذا این نوع مشارکت ها در حیطه نظریات مبادله و روانشناسی اجتماعی جای می گیرند.

بنیادی ترین اندیشه زیر ساخت مشارکت پذیرش اصل برابری مردم است و هدف از آن همفکری، همکاری و تشریک مساعی افراد در جهت بهبود کمیت و کیفیت زندگی در تمامی زمینه های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است.

مشارکت را به گونه هایی چون مشارکت اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و روانی تقسیم می نمایند، هرچند که تفکیک دقیق آنها به دلیل درهم تنیدگی، همپوشی و مکمل یکدیگر واقع شدن چندان امکان پذیر نمی باشد، اما در مقام شناخت و تحلیل می تواند سودمند باشد.

مشارکت در شکل گیری سامانه نظام سیاسی و اداره آن امری مسلم و اجتناب ناپذیر است و اساساً بدون مشارکت عمومی و مردمی، امکان توسعه، رشد و تعالی یک کشور امکان پذیر نیست. از بعد اجتماعی نیز وحدت و همبستگی عمومی نقش به سزایی در تثبیت هر نظام اجتماعی دارد، چرا که جوامع بشری تنها در سایه همبستگی اجتماعی است که می توانند به روابط و تعاملات روزمره زندگی خویش بپردازند، زبان یکدیگر را درک کنند، واکنش های دیگران را پیش بینی نمایند و برای آینده زندگی خود برنامه داشته باشند.

از این رو، می توان گفت به هر میزان انسجام اجتماعی، وحدت و همبستگی ملی و علاقه مندی ملتی در مسیر حرکت به سوی اهداف مورد نظر یک نظام، یعنی توسعه پایدار، مشابه و همگرایانه باشد، چنین ملتی به راحتی و سریع تر از حد انتظار به اهداف و آرمان های متعالی و چشم اندازهای بلند مدت ترسیم شده از سوی رهبران خود خواهند رسید. ملتی که دارای همبستگی اجتماعی و مشارکت عمومی است و از وحدت، یکدلی، یکرنگی و همدلی بهره می برد، به راحتی با مشارکت عمومی شهروندان خویش به تحقق اهداف متعالی نظام خویش دست خواهد یافت.

دکتر مهشید رضوی رضوانی

منابع

- انصاری، حمید (۱۳۸۳) نظریه های مشارکت، جزوه درسی کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- ازکیا، مصطفی و غلامرضا غفاری (۱۳۸۰) «بررسی رابطه بین انسجام اجتماعی و مشارکت اجتماعی سازمان یافته روستاییان در نواحی روستایی شهر کاشان»، مجله اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال نهم، شماره ۳۶۵.

- Kerisberg. Lous(۱۹۷۳) *Sociology of social conflict*. Printice-Hall Publication, New Jercey.
- Burkely, Stan(۱۹۹۶) *people first a guide to self-reliant participatory Rural development*. London: zedbooks